

دستگیری ۴ مظنون در حادثه تیراندازی به مأمور پلیس

چهار مرد که مظنون به تیراندازی به مأمور گشت کلانتری ۱۶۱ ابوذر تهران هستند، بازداشت شدند. مأمور زخمی در حالی که در کما به سر می برد در بیمارستان تحت درمان قرار دارد.
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲:۴۰ باعداداد روز سه‌شنبه ۱۴فروردین‌ماه اسامل مرد رهگذری با اداره پلیس تماس گرفت و گفت: مأمور پلیسی در خیابان مقدم کنار ریل راه آهن به شدت زخمی شده‌است.

با اعلام این خبر بلافاصله تیمی از مأموران کلانتری ۱۶۱ ابوذر راهی محل شدند. مأموران در محل حادثه با پیکر خونین گروهبان علیزاده از مأموران گشت کلانتری ابوذر روی زمین روبه‌رو شدند که با اصابت گلوله‌ای به پیشانی‌اش به شدت زخمی و به کما رفته بود. بررسی‌ها نشان داد ضارب یا ضاربانی پس از شلیک به سر مأمور اسلحه وی را سرتقت کرده و از محل گریخته‌اند. همزمان با انتقال پیکر خونین گروهبان علیزاده تیمی از کارآگاهان ویژه پلیس آگاهی شناسایی ضارب یا ضاربان وارد عمل شدند.نخستین تحقیقات نشان داد لحظاتی قبل از حادثه مأمور زخمی هنگام گشت‌زنی به مردی که کنار خودروی پارک شده‌ای پرسه می‌زده مشکوک شده و برای بررسی موضوع وارد عمل شده که این اتفاق رخ داده‌است.

یکی از مأموران گشت پلیس در توضیح ماجرا گفت: ساعتی قبل از حادثه من و گروهبان علیزاده بادو موتور سیکلت در محدوده در حال گشت‌زنی بودیم که مشاهده کردم مردی با میله آهنی در حال باز کردن در خودروی پارک شده‌ای است. بلافاصله او را بازداشت کردم و در بازرسی بدنی هم چند وسیله که برای سرقت استفاده می‌شود کشف کردم. من سارق را پشت موتورم سوار کردم و گروهبان علیزاده هم با موتور سیکلتش پشت سر من حرکت کرد. در میان راه گروهبان علیزاه متوجه مردی شد که پشت خودروی پیکان سفید قدیمی که در پیاده‌رو پارک بود پنهان شده بود. احتمال دادیم این مرد هم قصد سرقت دارد به همین سبب هر دو به سوی او رفتم. اما همکارم گفت من متهم بازداشت شده را به کلانتری منتقل کنم و او خودش به وضعیت مرد مظنون رسیدگی می‌کند. بدین ترتیب من همراه متهم راهی کلانتری شدم تا اینکه لحظاتی بعد مردی رنگ زد و گفت در حال عبور از خیابان بوده که دیده‌است مأمور پلیسی خونین روی زمین افتاده‌است.وقتی به محل حادثه رفتم متهم مشاهده کردم مأمور زخمی گروهبان علیزاده‌است.

در حالی که گروهبان علیزاده همچنان در کما به سر می‌برد و در بیمارستان لقمان تحت درمان است مأموران تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان تیراندازی به مأمور پلیس را آغاز کردند کارآگاهان همزمان با ادامه تحقیقات به چهار مرد مظنون شدند و آنها را بازداشت کردند. تحقیقات از متهمان بازداشت شده ادامه دارد.

قتل مرموز زن میانسال

دو برادر افغان به اتهام قتل زن میانسال در شرق تهران تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند.
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۷ صر روز شنبه ۲۵ فروردین ماه قاضی دشتیان، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۴۷ گلبرگ از قتل زن میانسالی در خانه‌اش با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه که آ‌پارتمان مسکونی در نزدیکی میدان ۲۳ منطقه ناکما بود با جسد زن ۵۴ساله‌ای به نام گوهر داکل پذیرایی روبه‌رو شدند که روسری به دور گردنش پیچانده شده بود.نخستین بررسی‌ها حکایت از این داشت‌از مرگ زن میانسال حدود ۲۴ساعت گذشته‌است، عامل یا عاملان حادثه پس از ضرب و جرح روی را با روسری خفه کرده و از محل گریخته‌اند.همچنین در بررسی محل حادثه مأموران بابهم ریختگی وسایل خانه مقتول روبه‌رو شدند که مشخص شد طلاها و جواهرات مقتول هم به سرقت رفته‌است.

تحقیقات نشان داد مقتول که زن تنهایی بوده همسره مادر و خواهرش در محل حادثه زندگی می‌کرده‌است و زمان حادثه خواهر و مادرش مسافرت بوده‌اند. خواهر مقتول گفت: چندروز قبل من و مادرم برای زیارت به مشهد رفتم. پس از سه روز مسافرت به تهران برگشتم و بااین صحنه روبه‌رو شدیم. ما ازمشهد باخواهرم تماس گرفتیم و وقتی او تلفن ما را جواب نداد نگرانش شدیم و خیلی زود به خانه برگشتم که مشاهده کردم او به قتل رسیده‌است. مأموران در بررسی‌های میدانی در یافتند مدتی است دو برادر افغان هر چند روز یک بار برای نطافت به خانه مقتول رفت و آمد داشتند وروز حادثه هم یکی از برادران برای نطافت به محل حادثه آمده‌است. بنابراین مأموران مرد افغان را به عنوان مظنون حادثه تحت تعقیب قرار دادند.امار بررسی‌ها نشان دادمظنون به قتل پس از حادثه به طرز مرموزی ناپدید شده‌است.

تحقیقات برای شناسایی و دستگیری مظنون ادامه دارد.

امید ۳ بیمار به ادامه زندگی

اعضای بدن مرد جوان که به مرگ مغزی مبتلا شده بود به سه بیمار اهدا شد.

جواد منفرد، پدر ۴۰ ساله که دارای دو فرزند و اهل روستای مبارک آباد بجناب بود به علت خونریزی مغزی به مرگ مغزی مبتلا شد. بعداز آن بود که با رضایت خانواده‌اش اعضای بدن وی به سه بیمار اهدا شد. دو کلیه و کبد این بیمار در اتاق عمل بیمارستان پیمانیه چهارم برداشته‌شد و روز جمعه ۲۴ فروردین ماه ۹۷ به شیراز انتقال یافت و عمل پیوند نیز در بیمارستان بوعلی شیراز روی سه بیمار صورت گرفت. دو کلیه او به ترتیب به دو مرد ۵۲ساله از لارستان و ۴۳ساله از استهبان و کبدوی نیز به مرد ۲۵ساله از شهر کرد اهدا شد.

فرمانده انتظامی تهران بزرگ با تأکید بر اینکه ۳۰درصد جرائم کشور در پایتخت رقم می‌خورد، گفت: ۸۰درصد نیروهای کلانتری‌ها باید در حوزه‌های عملیاتی به کارگیری شوند تا در پیشگیری از وقوع جرم و دستگیری مجرمان به نحوی شایسته عمل کنیم.
به گزارش خبرنگار ما، سردار حسین رحیمی با بیان این موضوع در مراسم معارفه رئیس پلیس پیشگیری پایتخت ادامه داد: اجرای طرح رعد در تهران، نقطه تحول در عمل و اجرا برای پلیس پیشگیری است، بر همین اساس مدیریت انتظامی پایتخت بسیار مهم و راهبردی است. وی به ویژگی‌های جایگاه ریاست پلیس پیشگیری پایتخت اشاره کرد و گفت: آنچه مد نظر است، سلامت، آگاهی، اشراقیت خوب به شهر تهران و نیز وضعیت کلانتری‌ها و معضلات

حواالت

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

رئیس پلیس تهران: ۸۰درصدنیروی کلانتری‌ها باید عملیاتی باشند

پلیس پایتخت را حرکت در مسیر فلسفه وجودی تشکیل کلانتری‌ها بر شمرد و گفت: پیشگیری از وقوع جرائم، کشف جرم و دستگیری

مجرمان از وظایف اصلی ضابطان قضائی است. سردار رحیمی، یکی دیگر از برنامه‌های این پلیس را تکریم ارباب رجوع عنوان و تصریح کرد: پلیس می‌تواند همچون یک معلم اخلاق عمل کند و علاوه بر ارائه خدمات انتظامی به ارباب رجوع، نحوه برخورد اخلاقی را مد نظر قرار دهد.

وی، چهارمین برنامه پلیس پایتخت را اجرای درست و دقیق مأموریت‌ها در زمان اعلام خبر به اپراتور مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، بیان و خاطر نشان کرد: هنگامی که خبری از سوی اپراتور

آنان است. سردار رحیمی با تأکید بر فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مبنی بر تحول در کلانتری‌ها ادامه داد: باید توجه ویژه‌ای به این

موضوع داشته باشیم.

وی به برنامه پلیس پایتخت در تهران اشاره و خاطر نشان

کرد: اولین برنامه تحول در کلانتری‌ها است که باید در این رابطه همت بیشتری داشته باشیم؛ چرا که اصلی‌ترین مسئله

در نیروی انتظامی بالاخص کلانتری‌ها سلامت و صحت عمل

است، چون مجموعه کارکنان کلانتری باید با ناهنجاری‌ها بر خوردد کنند و لازم است نیروها با صداقت و رفتارهای صحیح به ایفای نقش بپردازند. رئیس پلیس تهران، دومین برنامه



طراحی نقشه سرقت

از سوپر مارکت‌ها در زندان

دوستم سابقه دار بود

و مرا وسوسه کرد و

گفت خیلی زود پولدار می‌شویم و بعد با پول های سرتقی کار خوبی برای خودمان فراهم می‌کنیم.

چطوری با دوست آشنا شدی؟

در زندان هم سلولی بودیم.

بیشتر توضیح بده؟

۱۵ روزی که در زندان بودم با پسر جوانی به نام فرامرز هم سلول شدم. دو سابقه کیف‌قاپی داشت و حرف‌های بود و می‌گفت از طریق سرقت پول خوبی به جیب زده‌است و اگر با هم سرقت کنیم خیلی زود پولدار می‌شویم. ما دو نفری نقشه سرقت از سوپر مارکت‌ها را طراحی کردیم و بعد از اینکه فرامرز از زندان آزاد شد با من تماس گرفت و دو نفری شروع به سرقت کردیم.

درباره شیوه سرقتتان توضیح بده؟

من آماتور بودم و به همین سبب وظیفه‌ام این بود که به بهانه خرید شارژ تلفن همراه به داخل سوپر مارکت می‌رفتم و وقتی صاحب مغازه به کارت‌تش برای من شارژ می‌گرفت به صورت مخفیانه رمز آن را به خاطرم می‌سپردم و از مغازه خارج می‌شدم. پس از این نوبت فرامرز بود. او به داخل مغازه می‌رفت و مقدار زیادی وسایل سفارش می‌داد و در حالی که صاحب مغازه در حال جمع‌آوری سفارشات بود فرامرز کارت عابر و دخل مغازه را سرقت می‌کرد.

چرا پول‌های داخل کارت‌های سرتقی را از پمپ بنزین برداشت می‌کردید؟

ما معمولاً ابتدا به عابر بانک مراجعه و مبلغ ۲۰۰هزار تومان برداشت می‌کردیم، اما برای برداشت بقیه پول‌ها به پمپ بنزین می‌رفتیم و پس از پرداخت مبلغی به کارگران پمپ بنزین کارت می‌کشیدیم

و پول می‌گرفتیم.

یک بار به خاطر درگیری خانوادگی ۱۵ روز به زندان افتادم.

چه‌شد که دست به سرقت زدی؟

درخواست قصاصی برای عامل قتل

در ویلا



مجرم سابقه‌دار که پس از ارتکاب قتل و جلب رضایت اولیای دم، دوست خود را در ویلاش به قتل رسانده‌است، روز گذشته در جلسه رسیدگی به پرونده با درخواست قصاص از سوی اولیای دم مواجه شد.

به گزارش خبرنگار ما، بیستم بهمن‌سال ۹۲، مأموران پلیس از قتل مردی ۳۵ساله به نام مجید در یکی از ویلاهای شهرستان رودهن باخبر و راهی محل شدند. سرایدار ویلا که در محل حاضر بود به مأموران گفت: «شب گذشته مجید دوستش را به ویلا دعوت کرده بود و قرار بود شب را با دوستش بگذرانند، اما امروز صبح وقتی وارد ویلا شدم جسد مجید خونین روی زمین افتاده بود. احتمال دارد قتل کار دوست مجید باشد».

با انتقال جسد به پزشکی قانونی، در بررسی‌ها مشخص شد کشف مدارک، گوشی تلفن همراه، ساعت دیواری و دستگاه کامپیوتر ۴۰د

خودروی مقتول نیز سرقت شده‌است.

به این ترتیب تحقیقات در این زمینه آغاز شد و دوست مجید به نام پیمان به عنوان اولین مظنون پرونده تحت تعقیب قرار گرفت. در روند تحقیقات بود که پیمان با سرایدار ویلا تماس گرفت تا از حال دوستش باخبر شود آنجا بود که در ردیابی شماره تماس، وی در یکی از باجه‌های تلفن همگانی شناسایی و دستگیر شد.

مرد جوان در بازجویی‌ها به قتل دوستش اعتراف کرد و گفت: «آن روز من و مجید بعد از شرب خمر در حال استراحت بودیم که ناگهان متوجه شدم او قصد شومی دارد به همین دلیل او را کشتم.» متهم در توضیح زندان خود با مأموران گفت: «من و مجید دو سال بود که با هم دوست بودیم و همدیگر را می‌شناختم. او با همسرش اختلاف داشت به همین دلیل بارها مرا به ویلایی که در چناران رودهن داشت دعوت کرده بود و با من در دل می‌کرد. روز حادثه بار دیگر به دعوت او به ویلا رفته بودم و بعد از خوردن غذا با هم مواد کشیدیم و کمی مشروب خوردیم. لحظاتی گذشت تا اینکه متوجه شدم مجید قصد دارد مرا آزار دهد به همین دلیل عصبانی شدم و او را به طرف دیوار هل دادم.» متهم در ادامه گفت: «در آن لحظه چشمم به چاقوی روی کرسی در اتاق افتاد. آن را برداشتم و چند ضربه به مقتول زدم. وقتی مجید را خونین روی زمین دیدم از ترس می‌خواستم فرار کنم، اما قبل از خارج شدن از ویلا برای گمراه کردن پلیس چند تا از لوازم را در ویلا سرقت کردم و سپس گریختم.» به این ترتیب پیمان به اتهام مشارکت در قتل، شرب خمر و سرقت روانه زندان شد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. صبح دپروژ متهم مقابل هیئت قضایی همان شعبه به ریاست قاضی قربان زاده قرار گرفت و بعد از قرائت کیفرخواست پدر مقتول در جایگاه ایستاد و گفت: «برای متهم در خواست قصاص دارم. او دروغ می‌گوید و بسرم را در خواب کشته‌است.» سپس در ادامه گفت: «متهم مغازه تأسیساتی داشت و پسرم صافکار بود. او چند ماشین برای صافکاری به مغازه پسرم برده بود، اما فقط نصفی از دستمزدش را پرداخت کرده بود. همچنین متهم چندین بار از پسرم خواسته بود تا مقداری لوازم خودرو برای فروش به مغازه او ببرد، اما پسرم مخالفت کرده بود. آنها با هم اختلاف داشتند و او با انگیزه قبلی پسرم را کشته‌است و حالا دروغ می‌گوید».

در ادامه مادر مقتول نیز در حالی‌که گریه می‌کرد، گفت: «او بابی رحمی پسرم را در خواب کشته‌است. به همین دلیل برای او در خواست قصاص دارم.» سپس وکیل دو طفل صغیر مقتول نیز در خواست قصاص کرد.

بعد از درخواست اولیای دم، متهم در جایگاه قرار گرفت و با قبول اتهاماتش گفت: «حرف تازه‌ای برای گفتن ندارم و همه اظهاراتم همان است که در بازجویی‌ها گفته‌ام. حالا با درخواست اولیای دم حاضرم پاسخ شوم و اعتراضی ندارم.» سپس به سؤالات هیئت قضایی پاسخ داد.

آیا سابقه کیفری داری؟

بله. یک قفره قتل که نصف دیه را پرداخت کردم و رضایت گرفتم و بعد از تحمل ۱۲ سال حبس آزاد شدم.

دیگر سوابق؟

درگیری و سرقت.

در اظهارات گفته بودی با مقتول مواد کشیده بودی اما نظریه پزشکی قانونی خلاف آنرا اعلام کرده‌است و هیچ ماده مخدّری در بدن مقتول دیده نشده‌است.

قبول دارم. مقتول فقط شرب خمر کرده بود و مواد نکشیده بود.

پزشکی قانونی اعلام کرده بود که مقتول در حالت غافلگیری به قتل رسیده‌است که این خلاف اظهارات شما است. چه توضیحی داری؟

من حقیقت را گفتم و حرفی ندارم.

بنا به نظریه پزشکشی قانونی چرا ضربه‌ای به آن عمیقی به مقتول وارد کردی که حتی در استخوان او نیز نفوذ کرده بود؟

عصبانی بودم و در حال خودم نبود.

در اظهارات اقرار کردی برای دفاع از خودت مر تکب قتل شدی، چرا به جای کشتن مقتول از ویلا فرار نکردی؟

آیا مانعی بود؟

خیر. آن لحظه قدرت تصمیم‌گیری و تفکر نداشتم.

در خصوص اموال سرتقی چه توضیحی داری؟

همه آنها را به مأموران در آگاهی برگرداندم.

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.